

# ما در باران خواهیم ماند

نقد حال اصحاب دانش



دکتر محمد رضا نیستانی

عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان



پارسیان

## فهرست

۷	.....	مقدمه
۱۵	.....	راه پُر آسیب
۴۷	.....	پُردلانِ مسأله آموز
۶۷	.....	کام ناشکفته
۸۳	.....	سودازدهٔ حقیقت
۱۰۱	.....	شور دانایی
۱۲۵	.....	در بلندای زمانه
۱۴۵	.....	پستی گرفتن دانش
۱۶۵	.....	درمانده یا درمان گر
۱۸۵	.....	غم نان اگر بگذارد
۱۹۷	.....	تک بودگی و تک ماندگی

## راه پُرآسیب

محلّه قدیمی شهر بجنورد همواره برایم از جذابیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. شاید به دلیل همین شوریدگی‌ها به این محلّه بوده باشد که برخی از دوستان نزدیک در بوق و کرنا کرده بودند که اگر پای‌توپ نبود، محمّد از فرانسه باز نمی‌گشت. پای‌توپ، بختی استثنایی و فرصتی بی‌مانند برای درک و فهم من از زندگی بوده است.

این محلّه البته برای بیشتر اهالی شهر، جذابیت چندانی ندارد! محلّه‌ای نه‌چندان خوشنام و از نظر فرهنگی نابرخوردار و به‌لحاظ اجتماعی تا اندازه زیادی سوخته. با این همه، پای‌توپ برای من عصارهٔ تمامی تجارب ناب است که یک انسان می‌تواند در چشمهٔ همیشه جوشان زندگی و با آدم‌های مختلف از قومیت‌ها و پایگاه‌های اجتماعی متفاوت، فراچنگ آورد.

زندگی غریزی و بی‌پردهٔ مردمان این محلّه به‌ویژه در سال‌های بسیار دورتر، برای من مشحون از حوادث و رخداد‌های درس‌آموز و چشمه‌های پُرتپش بوده است. برای کودکی نورسته، تماشای آن همه آدم‌های رنگارنگ و ناهمگون، نکته‌های آموختنی بسیاری داشته است. برای اولین بار وقتی در دههٔ سوّم زندگی، کتاب *صد سال تنهایی* را خواندم، احساس کردم بخش‌هایی از روایت‌های گابریل گارسیا مارکز در آن اثر به تجربه‌های زیستهٔ